

بسم الله الرحمن الرحيم

در وینزویلا چی اتفاقی افتاده؟ اهمیت آن بر ما و تعامل امریکا بر این حادثه چی خواهد بود؟



(ترجمه)

"جوان گوآیدو" رئیس پارلمان وینزویلا خود را سرپرست ریاست جمهوری این کشور اعلان کرد و به تاریخ 23 جنوری 2019م سوگند و فاداری را به حضور طرفدارانش ادا نمود؛ این در حالی است که ارتش "وینزویلا" این عملکرد گوآیدو را شورش بر ارزش‌های دموکراسی و قانون اساسی دانسته و حمایت‌شان را از رئیس جمهور "نیکلاس مادورو" اعلان نمود. هم‌چنان، محکمه عالی نیز حمایت‌اش را از مادورو اعلان کرد؛ اما ترامپ، رئیس جمهور امریکا، گوآیدو را به عنوان رئیس جمهور وینزویلا به رسمیت شناخته و پامپیو، وزیرخارجه‌اش را دستور داد تا از گوآیدو به عنوان رئیس جمهور وینزویلا حمایت کند. هم‌چنان، ترامپ نماینده ویژه‌ای را در امور وینزویلا تعیین نمود تا روابط خود را با این کشور مستحکم سازد و به همین ترتیب، پیشنهادی را به تاریخ 26 جنوری 2019م به شورای امنیت پیش نمود تا توافق بین‌المللی را به حمایت و رسمیت شناختن گوآیدو بگیرد؛ اما روسیه و چین این موضوع را رد کرده و این مسئله را زورگیری قدرت و دخالت خارجی عنوان نمودند.

"مادورو" قطع روابط دیپلماتیک کشورش را با امریکا اعلان نمود و به این ترتیب، 11 دولت، گوآیدو را به رسمیت شناخت؛ رئیس سازمان ملل دولت‌های امریکائی و هم‌چنان انگلیس این مسئله را برای گوآیدو تبریک گفت. این در حالی‌ست که اروپا اخطار داد و گفت: در صورتی که انتخابات در جریان هشت روز آینده در وینزویلا برگزار نشود، گوآیدو را به رسمیت خواهد شناخت. هم‌چنان، امریکا از وخیم شدن وضعیت هشدار داده و خواستار گفتگوها به منظور جلوگیری از گسترش اوضاع ناهنجار گردید.

تمام این مسایل دلیل ناهنجاری‌ها و شگاف‌های داخلی و دخالت‌های خارجی؛ مخصوصاً آمریکا در وینزویلا می‌باشد؛ آمریکایی که صاحب قدرت در آمریکای لاتین بوده و این منطقه را حیات خلوت خود می‌پندارد. با درک این که بزرگ‌ترین وارد کننده نفت وینزویلا آمریکا بوده و 39 درصد نفت وینزویلا وارد این کشور می‌شود. در صورتی که آمریکا بر صادرات نفت وینزویلا تحریم وضع نماید، باعث مشکلات مصیبت‌باری بر وینزویلا خواهد شد؛ اما پیامدهای منفی آن بر خود آمریکا نیز وارد شده و باعث بلند رفتن اسعار در آمریکا می‌گردد. بناءً آمریکا هیچ تحریمی را بر صادرات نفت وینزویلا وضع نخواهد کرد؛ بلکه بعضی تحریم‌ها را از جمله توقف خریداری طلای این کشور وضع خواهد نمود.

اقتصاد وینزویلا 90 درصد بر عواید نفت استوار است و زمانی که قیمت یک بیلر نفت به 100 دالر رسیده بود، وضعیت اقتصادی این کشور بسیار خوب بود؛ اما وقتی که قیمت نفت افت کرد و پول آن پائین آمد، ورشکستگی به 147000 درصد رسید و قیمت‌ها به طور سرسام‌آور بالا رفته است. به همین دلیل، 65 درصد حزب مخالف در پارلمان راه یافت و حزب حاکم را به شکست مواجه نمود. بنا به گزارشات سازمان ملل، بیشتر از 3 میلیون وینزویلاتی از این کشور مهاجر و اقتصاد این کشور به شکل بسیار شدید آن متلاشی شده و در تحت تسلط آمریکا قرار گرفت.

"مادورو" بعد از فوت "چاویز" در سال 2013م قدرت را به دست گرفت و به تاریخ 20می 2018م بار دوم برنده انتخاب شد؛ اما واشنگتن مادورو را به تقلب کاری انتخابات متهم کرده، تلاش کرد تا آن را ترور شخصیتی نموده و ارتش را به آن مواجه سازد. مادورو سیاست چاویز را تعقیب کرد تا تسلط آمریکا را از بالای وینزویلا برطرف و یا حد اقل کاهش دهد.

طوری که معلوم است، تمام آمریکای لاتین تحت نفوذ آمریکا قرار داشته و آمریکا است که مانع استقلال آن می‌گردد. آمریکا در سال 2002م انقلابی را بر ضد چاویز راه‌اندازی نمود؛ اما چاویز توانست که خود را ثابت نگهدارد و هایتی رئیس جمهور منتخب را در سال 2004م برطرف کرد. پس آمریکا سیاست راه‌اندازی انقلابات را در آمریکای لاتین پیش گرفته تا در کنار مداخلات نظامی، این منطقه را زیر نفوذ خود نگهدارد؛ چنانچه آمریکا نیمی از مکزیک را اشغال نموده و جزء خاک خود ساخت. آمریکای لاتین از زمان به قدرت رسیدن "مونورو" که قبلاً در سال 1823م اروپا را هشدار داده بود، منطقه نفوذ آمریکا به حساب می‌آید؛ پس اقدامات سیاسی در این منطقه به انحصار آمریکا و مداخلات آن تبدیل شده، هرکسی را که خواسته باشد، سر قدرت می‌آورد و هرکسی را که خواسته باشد، از قدرت برکنار می‌نماید؛ به همین دلیل، آمریکا نزد مردم وینزویلا بدنام و منفور شده است.

لذا آمریکا در زمان حکومت اوباما تلاش نمود تا با مردم وینزویلا مصالحه نموده و چهره فریبنده‌اش را نزد این مردم یک چهره برحق جلوه دهد. بناءً آمریکا می‌خواهد روابط خود را اولاً با وینزویلا و سپس با کوبا مستحکم سازد.

بایدن نخست‌وزیر، تعداد زیادی از دولت‌های آمریکائی را دیدار نمود و در جریان دیدارش با تشیلی به تاریخ 28 مارچ 2009م گفت: «حالا زمان همکاری‌ها و گفتگوهای ایالات متحده آمریکا با آمریکای لاتینی فرا رسیده است.» و آمریکا خواهان امضای توافق‌نامه‌ای که در زمان بوش پسر به خاطر ایجاد منطقه تجاری بین دو آمریکا منعقد گردیده بود، شده

است؛ توافق‌نامه‌ای که در کنفرانس امریکای جنوبی و شمالی در سال 2003م در میامی منعقد گردیده بود؛ ولی عملی نگردید؛ اما چاوز این توافق‌نامه را وسیله استعمار خوانده و امریکا را متهم نمود که دولت‌های امریکائی را مجبور به امضای منطقه تجاری بین دو امریکا می‌سازد و در نهایت، آن کنفرانس بدون کدام دست‌آوردی خاتمه یافت و روابط امریکای جنوبی و شمالی به سردی گرائید.

امریکا نتوانست که دولت‌های امریکائی را دو باره قناعت دهد تا چنین توافق‌نامه‌ای را بار دوم منعقد سازند؛ چنانچه امریکا در سال 2005م تلاش کرد تا کنفرانسی را در بین دو امریکا در ارجنتاین برگزار نماید که موفق نشد.

بناءً یکی از اهداف مهم امریکا در قاره جنوبی اینست که این منطقه را منطقه تجاری خود قرار داده و زیر نام چنین توافق‌نامه‌ها، راه را برای غارت کردن سرمایه‌های این کشورها، آن هم به رضایت خودشان باز نماید تا بتواند با بردن سرمایه‌های‌شان، آن‌ها را فقیر نگهداشته و تحت تسلط خودشان داشته باشد؛ چنانچه امریکا در مکزیک به این برنامه خود موفق گردید و مشکل به نظر می‌رسد که مکزیک خود را از دام استعمار امریکا نجات دهد.

اداره اوباما تلاش کرد تا این استعمارگری را با اسلوب دیگری تحت نام "شراکت گسترده" عملی سازد؛ اما زمانی که ترامپ به سر قدرت آمد، اسلوب قلدر مآبانه را پیش گرفته و سیاست‌های استعماری حکومت امریکا را به شکل علنی و بی سابقه تحمیل کرد و در تمام دولت‌ها دخالت خود را علنی ساخت. هم‌چنان، ترامپ حکام دولت‌های مستعمره را به صورت علنی توهین و تحقیر نمود؛ هرچند که این حکام تابع امریکا هستند؛ چنانچه ترامپ حکام مکزیک، سعودی و ترکیه را آشکارا تحقیر نموده و جنگ خود را برضد مادورو اعلان نمود.

مادورو گفت: «من بر ضد امریکا نیستم؛ بلکه بر ضد استعمار هستم. من روابط خود را با ملت امریکا قطع نمی‌کنم؛ بلکه روابط خود را با حکومت ترامپ قطع می‌سازم. من حاضرم که کچالو، نفت، پیاز و مرغ را به امریکا بفروشم.» با درک این که مادورو در وقت سوگند وفاداری اش در دور دوم به تاریخ 10 جنوری 2019م گفت: «حالا جهان جدیدی به وجود آمده که اجازه نمی‌دهد تا نظام‌های استعماری دیکتاتوری که به دست یک دولت و یا به دست دولت‌های تابع آن است، بالای‌شان حکومت کنند.»

واقعیت اینست که بالای مادورو مشکلات پیش آمده و فشارهای زیادی از داخل و خارج بالایش وضع گردیده است. با وجودی که ارتش وینزویلا از آن حمایت می‌کند، حمایت روسیه و چین در داخل وینزویلا مؤثر نبوده؛ بلکه امریکا در وینزویلا نقش اساسی دارد. امریکاست که امروزه وینزویلا را به مداخلات اش تهدید نموده؛ چنانچه ترامپ رئیس جمهور امریکا گفته است: «تمام اختیارات وینزویلا از دست‌شان رفته است.»

هم‌چنان دولت‌های اروپائی در وینزویلا نقش و جایگاهی ندارند. آن‌ها دولت‌های استعماری اند و تلاش کردند که موفق دیگری بگیرند و اعلان کردند، در صورتی که انتخابات در هشت روزه آینده برگزار نگردد، به زودی "غوادیر" را به رسمیت

می‌شناسند. "مادورو" گفتگوهایش را با مخالفین و امریکا از سر گرفته است؛ چون او قدرت و نقش امریکا را درک می‌کند و غیرممکن نخواهد بود که انتخابات در این کشور بر گزار گردد.

از موارد فوق روشن می‌گردد که مردم کشورهای وینزویلا و امریکای لاتین از شدت فقر و ورشکستگی رنج برده و در زندگی سختی به سر می‌برند. این کشورها در زیر یوغ و تسلط استعمار امریکا قرار دارند و می‌خواهند خود را از زیر این یوغ نجات دهند که نمی‌توانند. نظام‌های این کشورها کاملاً فاسد؛ اما راه بیرون رفت را نمی‌دانند. بناءً امت مسلمه که بهترین امت است، لازم است به پا خیزد تا این مردم و تمام بشریت را از زیر بار استعمار و استبداد دولت امریکا نجات داده، مردم و بشریت را از زیر بار ظلم نظام‌های ظالمی که مزدور و فرمان‌بردار استعمار هستند، نجات دهد. البته نجات بشریت و این مردم بدون امت مسلمه هرگز تحقیق نخواهد یافت. ما که ایدیولوژی حق و پاک را حمل می‌کنیم، بر ماست تا گام‌ها و حرکت خود را سرعت بیشتری بخشیده و دولت خلافت را شده را بر منهج نبوت اقامه کنیم تا مردم وینزویلا و همه‌ای بشریت را از ظلم استعمار بیرون کرده و به زیر بیرق عدل اسلام در آوریم.

برگرفته از جریده‌ الراه

نویسنده: اسعد منصور

23 جمای الاول 1440 هـ.ق

30 جنوری 2019 م